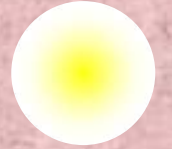


❖ شما (انجمن اسلامی) مجموعه‌ای هستید که سعی می‌کنید نگذارید کسی غرق بشود؛ نگذارید کسی اشتباه کند؛ نگذارید کسی متوقف بماند. همه‌ی بدیها در کج رفتن و افتادن نیست؛ نرفتن و متوقف شدن هم بدی است. محیط انجمن اسلامی، یک چنین محیطی است.

❖ دشمن خیلی دارد خودگشون می‌کند برای اینکه جامعه‌ی جوان ما را از کار بیندازد؛ ریزشهایی هم یک گوشه‌هایی داریم، از آنها هم بنده بی‌خبر نیستیم؛ اما رویشها بمراتب بیشتر از ریزشهاست.



نقش جوانان در مبارزه و عبور از چالشها

❖ جوانها برای یک ملت و یک کشور دارای اهمیتند. اما گاه در شرایطی این اهمیت مضاعف می‌شود.

❖ وقتی یک کشوری، یک ملتی درگیر یک مبارزه و چالش نظامی با دشمنان خود هست، نقش جوان در آنجا بارزتر می‌شود؛ یا وقتی یک کشور در حال خیزش به سمت قله‌های علمی و عملی و تجربی و سیاسی و اجتماعی است، نقش جوانها از اوقات دیگر در تاریخ آن ملت بارزتر می‌شود.

❖ حقیقت این است که کشور و جامعه‌ی ما بعد از انقلاب، در تمام طول این دوران، لحظات حساسی را گذرانده است که نقش جوانها و تأثیر حالت جوانی و استعدادهای جوانی در آن، یک نقش برجسته است.

عقب ماندگی علمی عامل استعمار پذیری

❖ عقب‌ماندگی علمی همراه خود عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی و نظامی و بقیه‌ی عقب‌ماندگی‌ها را هم به بار می‌آورد.

❖ یک کشوری که با توجه به استعداد خود، با توجه به زمینه‌های طبیعی و انسانی خود، با توجه به جایگاه جغرافیایی خود با توجه به ذخائر زیرزمینی خود، باید یکی از پیشرفته‌ترین و یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا باشد، در دوره‌ی حکومتهای قاجاری و بعد پهلوی، تبدیل شد به حکومت عقب‌افتاده‌ی دست‌نشانده‌ی فقیر ضعیف توسری خور. این، در تاریخ ما اتفاق افتاد.

❖ اگر این ملت بتواند خودش را به قله‌های پیشرفت و علم و ترقی برساند، یک دروازه‌ی عظیمی جلوی راه ملتها برای رفتن به سمت معنویت باز می‌شود. لذا کارشکنی می‌کنند؛ مخالفت می‌کنند؛ تبلیغات سوء می‌کنند؛ تحقیر می‌کنند؛ از فشارهای سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کنند، برای اینکه این ملت نتواند به این مقصود برسد؛ اما عزم ما و عزم این ملت، عزم راسخی است و راه را ادامه می‌دهد؛ اینجاست که نقش نیروی جوان خودش را نشان می‌دهد.

❖ جوان مؤمن، جوان لبریز از امید، جوان دارای اعتماد به نفس، جوانی که به ابتکارات و استعدادها و خلاقیت خود اعتقاد دارد، با نشاط جوانی و نیروی جوانی، می‌تواند در بلند کردن این بار عظیم و پیش بردن این گردونه‌ی عظیم نقش ایفا کند.

نقش جوانان در برون رفت از سلطه استعمارگران و پیروزی انقلاب

❖ در خلال این صد، صد و بیست سالی که بخش آخر آن دوران سخت تا امروز. وجدانهای بیدار و شخصیتهای بزرگی پیدا شدند که هشدارهایی دادند؛ مثل مخالفت میرزای شیرازی با کمپانی رژی یا فریادهای مرحوم آیت‌الله مدرس در صحن مجلس ملی آن روز در مقابله‌ی با رضاخان و دیگران و دیگران، اینها برقهایی در این فضا روشن کرد؛ دلها را روشن کرد، عزم‌ها را محکم کرد. نهضت به وسیله‌ی پیشروان این فکر شروع شد، رهبری الهی و با عزم و اراده‌ی مثل امام، خدای متعال در اختیار ملت گذاشت؛

❖ باز هم جوانها، حرکت خودشان را کردند، یک تحول عظیم و بنیادی به وجود آمد؛ میله‌های زندانی که ملت ایران در آن گرفتار بود، شکسته شد، لکن از اینجائی که انقلاب شروع کرد، تا آنجائی که باید ملت ایران برسد، راه طولانی است. این راه طولانی پر از چالشهای گوناگون است؛ همت می‌خواهد، نیرو می‌خواهد، نشاط می‌خواهد، ابتکار می‌خواهد، تراکم عظیم نیروها را می‌طلبد. اینها باید به وسیله‌ی جوانها، روحیه جوان، نشاط جوانی تأمین شود.

❖ دوران دفاع مقدس، انسان گاهی آنقدر داوطلبان جوان را می‌دید که چشم انسان از کثرت جمعیت، سیاهی می‌رفت و از شور و شوقی که اینها داشتند برای اینکه به خطوط مقدم دفاعی بروند و از استقلال کشور در مقابل تهاجم نظامی دفاع کنند.

❖ ما چالشهای فراوان ظریف دیگری داشتیم، که کمتر از دوران دفاع مقدس نیست.

❖ ملت ایران پرچم حاکمیت معنویت و دین را بر زندگی بشری برافراشته و در دست گرفته. این، خیلی مهم است. ... اما قدرتهای اداره‌کننده‌ی عالم، مدیریتهای اقتصادی دنیا؛ یعنی همین غارتگران، چپاولگران، یعنی همین که شما به آن استکبار جهانی می‌گوئید، نمی‌گذارند ملتها به سمت معنویت راه پیدا کنند. شوق هست؛ اما مانع هم هست. در یک چنین دنیائی، جمهوری اسلامی؛ یعنی یک ملت، یک کشور بزرگ در یک نقطه‌ی حساس با این همه جوان، با این ثروتهای مادی و معنوی که درس هست و همه هم میدانند، پرچم معنویت را در دست گرفته، می‌گوید من می‌خواهم انسانها را در سایه معنویت به سعادت، به خوشبختی، به رفاه، به امنیت، به پیشرفت علمی و به استقلال برسانم؛ و ثابت کرده که این، شدنی است. این یک هم‌اوردطلبی بزرگ نسبت به استکبار جهانی است و فلسفه‌های آنها را باطل می‌کند؛ روشهای آنها را یکسره زیر سؤال می‌برد.

تضعیف خودباوری جوانان

هدف دشمن

- همه‌ی سعی دشمنان ما این است که این عناصر زنده‌کننده و پیش‌برنده را از جوانهای ما بگیرند؛ ایمانش را بگیرند، اعتماد به نفسش را بگیرند؛ کما اینکه در دوره طاغوت موفق شده بودند.
- جوان ما آن روز اعتماد به نفس نداشت، خودش را به طور غریزی و شبه غریزی، کوچک‌تر و حقیرتر از یک جوان اروپایی می‌دانست! مگر جوان اروپایی چیست؟ کیست؟ یک موجود سر تا پا عقده‌ی روحی و مشکلات روانی و گرفتاری‌های گوناگون مادی و معنوی؛ اما تبلیغات رنگین، تصویری از جوان ما درست کرده بود که این جوان ما به این تصویر که نگاه می‌کرد، همیشه احساس می‌کرد که کوچک‌تر است؛ حقیرتر است؛ یک چنین اشتباهی را در ذهن جوانهای ما کاشته بودند.
- الان هم جوانهای آن دوران که پیر مردهای امروزند، آنهایی که تحت تأثیر انقلاب قرار نگرفتند، اگر مراجعه کنید، همان روحیه و احساس را در اینها می‌بینید؛ تربیت غلط دوران جوانی آن روز. آنها اعتماد به نفس نداشتند.
- می‌خواهند از جوان امروز، اعتماد به نفسش را بگیرند، ایمانش را بگیرند، روحیه‌ی ابتکارش را بگیرند، روحیه‌ی خلاقیتش را بگیرند، شوق او به پیشرفت و کار را بگیرند و او را با گرفتاریهای گوناگون سرگرم و مشغول کنند. حالا یکی را به شهوات، یکی را به کارهای لغو، یکی را به هرزه‌گردی و بیهوده‌این ور و آن ور رفتن، یکی را به یقه‌ی این و آن را گرفتن.

در هدایت جوانان

رسالت و وظایف انجمن های اسلامی

- شما که انجمنهای اسلامی هستید، مسئولیت مضاعفی دارید؛ یعنی مسئولیت جوان این روزگار – که خود، مسئولیت بسیار بزرگ و بسیار پر افتخاری است، که شاید این قطعه‌ای که شما دارید در آن زندگی می‌کنید، از لحاظ حساسیت در طول تاریخ ما، کمتر در گذشته تکرار شده و کمتر هم در آینده تکرار شود؛ قطعه‌ای که بناست یک ملت عقب‌مانده را به پیشرفته‌ترین ملت دنیا تبدیل کند – و یک مسئولیت دیگر شما، مسئولیت انجمن اسلامی است؛ یعنی آن جوانی که برای خود در بین جوانهای دیگر رسالت و مسئولیت قائل است.
- ممکن است جوانها اشتباه کنند؛ ممکن است تحت تأثیر احساسات غلط یا فهم غلط یا آدرسهای غلط یا جاذبه‌های خطرناک قرار بگیرند. باید آنها را نجات داد. شما آن نقش نجات دهنده را می‌خواهید ایفا کنید.
- در این دریای عظیم جوانی، یکی هم ممکن است غرق شود، که نجات غریق لازم است. انجمن اسلامی بدون اینکه پرچم این ادعا را بلند کند و به رخ این و آن بکشد – که این به رخ کشیدن چیز خوبی نیست – باید برای خود، نقش نجات غریق قائل باشد.
- گفت آن گلیم خویش به در می‌برد ز موج وین سعی می‌کند که بگیرد غریق را
- شما مجموعه‌ای هستید که سعی می‌کنید نگذارید کسی غرق بشود؛ نگذارید کسی اشتباه کند؛ نگذارید کسی متوقف بماند. همه‌ی بدیها در کج رفتن و افتادن نیست؛ نرفتن و متوقف شدن هم بدی است. محیط انجمن اسلامی، یک چنین محیطی است؛
- انگیزه‌ی انجمن اسلامی یک چنین انگیزه‌ای است. معلوم است که عنصر نجات غریق شنایش باید از شنای دیگران خیلی بهتر باشد؛ والا نه فقط غریق را نمی‌تواند نجات بدهد، که خودش هم غرق خواهد شد. پس باید خودتان را قوی کنید؛ بنیه‌ی اعتقادی و بنیه‌ی اخلاقی را باید قوی کنید.

علم

تحصیل

- من به جوانها می‌گویم: تحصیل، تهذیب، ورزش و تحصیل کنید؛ یعنی نیروی خرد، فکر، مغز، علم در شما تقویت شود. این، خیلی چیز خوبی است، باید اینطور باشد.
- از لحاظ علمی خودتان را تقویت کنید، پیش ببرید؛ نه فقط برای اینکه حرف شما در دیگری اثر کند، برای اینکه شما می‌خواهید یک ستونی باشید که این بنای عظیم، این کاخ مجلل - کاخ مدنیت و پیشرفت ملت ایران – بر روی این ستونها بر سرپا بایستد و بنا شود.

نفس

تهذیب

- * در کنار تحصیل، تهذیب باشد. دلهای شما جوانها نورانی است؛ فطرت الهی در شماها زنده و درخشان است. امروز شما خودتان را به کارهای نیک، خلق نیک، رفتار نیک اگر وادار کنید و عادت بدهید، هویت انسانی شما همین جور شکل می‌گیرد و تا آخر عمر این دستاورد با شما خواهد ماند. بخصوص در این مقطع سنی شماها، که یک مقطع زرین است؛ یک مقطع طلایی است.
- * در این مقطع خیلی کارهای بزرگ می‌شود بر روی شخصیت خود انجام داد؛ خودسازی. ارتباطتان را با خدا قوی کنید. در مسائل دینی بر نقاط عقلانی و ظریف بپردازید و آنها را از استادان ماهرش فرا بگیرید. دین، عواطف هم دارد؛ لکن این عواطف به معنویات عمیق، به فکر عمیق تکیه دارد؛
- * این فکر را باید آموخت و با مبانی دینی آشنا شد و بر اساس آن، روی شخصیت خود، روی دل خود اثر گذاشت. روی دل خودتان باید اثر بگذارید. ما باید دل خودمان را خیلی اوقات مخاطب قرار بدهیم.

و ذکر توجه به نماز

* یکی از اهل معنا گفته بود من روزی چند هزار مرتبه فلان ذکر را بر این دل خفته‌ی غافل خودم خواندم؛ چه تعبیر خوبی است. نماز همان ذکر است، همان آب حیات است که انسان به دل خود می‌بخشد؛ نماز با توجه؛ توجه به معنا، توجه به اینکه در مقابل خدا قرار داریم. نماز را این طوری بخوانید. وقتی به نماز می‌ایستید، به یاد بیاورید که در مقابل خداوند متعال ایستاده‌اید و دارید با او حرف می‌زنید. در سرتاسر نماز سعی کنید این حالت حفظ بشود، آنوقت این نماز اثر می‌گذارد و دل انسان را مثل اکسیر عوض می‌کند. اکسیر ماده‌ی کیمیایی است که می‌گویند مس را طلا می‌کند. دل ما از مس هم که باشد، اکسیر ذکر آن را به طلا تبدیل می‌کند. این، خیلی مهم است.

رفتار تهذیب

- تهذیب شامل رفتارها هم می‌شود؛ رفتار با پدر و مادر. پدر و مادرهایتان را هم دوست بدارید و هم این دوستی را به آنها ابراز کنید؛ هم احترامشان کنید. هم اطاعتشان کنید؛
- در داخل محیط خانه، اخلاق شما، رفتار شما می‌تواند یک خانواده را بسازد.
- یک جوان گاهی در یک خانواده، پدر، مادر، برادران، خواهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- من گاهی به خانواده‌ی شهدا که سر می‌زنم، پدرها، مادرها - این را من شنیده‌ام - می‌گویند این جوان، جوان شهیدشان، در داخل خانه با رفتار خود، معلم ما بود؛ نماز خواندنش، نماز خواندن را به ما یاد می‌داد؛ قرآن خواندنش، قرآن خواندن را به ما یاد می‌داد؛ وظیفه‌شناسی، نشاط برای کار، نشاط و وظیفه‌شناسی را به ماها تعلیم می‌داد.
- یک جوان مؤمن و مهذب در داخل خانواده، مثل یک چراغ محیط خانواده را روشن می‌کند و برادرها، خواهرها از او فرامی‌گیرند؛ در داخل محله، در داخل محیط زندگی، در داخل محیط کار.

تأبستان استفاده از اوقات فراغت

- جوانان انجمنهای اسلامی بیش از دیگران به فکر باشند که از این فراغت تأبستان و از این فرصت برای مطالعه، برای فراگیری، برای شرکت در کارهای بدنی که در خدمت مردم هست - گاهی بسیج و دیگران، کارهایی را در اختیار جوانها می‌گذارند؛ فعالیتهای بدنی، خدمات، سازندگی - و کمک به پدر و مادر، کمک به خانواده، تهذیب و ورزش استفاده کنند. ورزش هم یک کار لازم است. من به همه‌ی جوانها، دخترها، پسرها، توصیه‌ی دائمی‌ام این است که ورزش بکنند.
- این سه عنصر اصلی (تحصیل، تهذیب و ورزش) را شما جوانهای انجمن اسلامی با کیفیت بهتر و با کیفیت بالاتر در رفتار خودتان و در تأثیری که بر روی دیگر جوانها می‌گذارید، انجام دهید.
- جوانی یک نعمت بزرگی است که یک بار به هر انسانی داده می‌شود؛ یک دوره‌ی معینی هم دارد. از آن دوره که گذشتید، از برکات آن دوره می‌توانید استفاده کنید. پیرمردهای دارای آرامش روحی و فکر روشن و رفتار منظم و برنامه‌ریزی شده، کسانی هستند که جوانی را با این خصوصیات گذرانده‌اند. پیرمردهای کسل، آشفته، بی‌حوصله، سیر از زندگی، کسانی هستند که در جوانی این ذخیره را فراهم نکرده‌اند.

ذخائر معنوی انباشتن و حفاظت از

- پیرمردها و پیرزن‌های که در کهولت راحت با خدا انس پیدا می‌کنند، کسانی هستند که این انس را در جوانی به دل خودشان یاد داده‌اند.
- اشتباه است اگر خیال کنیم می‌شود جوانی را کلاً به غفلت گذرانند. اما در پیری یک انسان ذاکر و شاکر خدا بود؛ نخیر، نمی‌شود. سعی می‌کنند گاهی، اما نمی‌توانند.
- این ذخیره‌ای که شما در جوانی فراهم می‌کنید، این ذخیره‌ی همه‌ی عمر شماست تا آخر، چه ذخیره‌ی جسمی، چه ذخیره‌ی فکری، چه ذخیره‌ی قلبی و روحی. این ذخیره‌ی شماست تا آخر عمر و ذخیره‌ی ابدی شماست برای زندگی ابدی، که حیات واقعی آنجاست.